



# تحول و نوسازی حوزه



سیدجواد میرخلیلی\*

## نیم‌نگاهی به دیدگاه‌های آیت‌الله اعرافی

حوزه‌های علوم دینی پس از انقلاب اسلامی، چشم جهان‌نیان را به خویش‌تن خیره کرد و داشت‌هایش را پیش‌دیده‌ها نهاد، جمهوری اسلامی، از نو‌نگاهی شد برای گفته‌ها و داده‌حوزویان. امروز رفتار روحانیان و حرکت حوزه‌های علوم دینی زیر ذره بین دوست و دشمن قرار گرفته است و حوزه علمیه قم هم هدف تیرهای زهرآگین دشمنان تمدن جهانی اسلام است و هم قبله امید محرومان، حقیقت‌جویان و عدالت‌خواهان که با خون هزاران شهید سپهر این سرزمین و سرزمین‌های دیگر اسلامی را گلگون کرده است تا حوزه‌های علوم دینی با شجاعت و هوشمندی پرچم انقلاب را به سوی «تمدن نوین اسلامی» پیش‌ران باشند. این است که وظیفه مدیران حوزه و مراجع عظام از هر زمان دیگر سنگین‌تر است.

تحول و نوآوری از دیرباز در حوزه علمیه نجف و سایر حوزه‌ها و حوزه علمیه قم در دوران معاصر، دغدغه بسیاری از عالمان و فرهیختگان بوده است و گریزی از آن نیست. راز این مسئله هم تغییر، تحول و تتبع در جهان مادی است و هیچ‌یک از شئون این عالم نیز خارج از دایره این قاعده و قانون نیست. نظام زندگی بشر هم محکوم به همین قوانین

است؛ البته جهان خلقت و زندگی بشر، دارای اصول ثابتی است؛ اما حجم تغییرات و تطورات هم، آن‌چنان فراوان است که باید آن‌ها را در نظر گرفت و از آن‌ها چشم‌پوشی و اغماض نکرد. نظام حقوقی، فقهی و اخلاقی اسلام هم در عین ثبات و انسجام، تطورات و تغییرات را هم با حدود و ضوابطی خاص مد نظر قرار می‌دهد و پاسخ‌گوی تغییرات است. حوزه‌های علمیه هم در همین سمت و سو قرار دارند؛ البته یادآوری این نکته ضروری است که در این جا مراد از حوزه، حوزه ساختاری نیست؛ بلکه حوزه محتوایی است.

در ادامه به بررسی تحول در حوزه با تأکید بر دو محور اصول و مبانی تحول در حوزه و سپس برنامه‌هایی که در این رابطه می‌تواند مورد توجه قرار گیرد خواهیم پرداخت.

● **اصول و مبانی تحول در حوزه**  
اصلاح نظام و ساختار آموزشی و پژوهشی

● تحول در حوزه باید بیش از هر جای دیگر، مبتنی بر اصالت و محورهای ثابت و ارزش‌های متعالی باشد که اساس هویت دینی و اعتقادات و باورهای دینی ما را تشکیل می‌دهند. در این رابطه، توجه به دو مسئله لزوم بازسازی و تعالی اخلاقی و هم‌چنین لزوم انطباق سیره حوزه بر اخلاق‌مداری و اخلاص، ضروری است.

و تشکیلاتی حوزه؛ مبتنی بر یک‌سری اصول و کلیاتی است که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود:

● **اصالت اخلاق و تربیت معنوی**  
به‌مثابه اصل حاکم

با توجه به اهداف و جایگاه معنوی روحانیت و با توجه به این‌که پیام اصلی اسلام، تربیت معنوی و اخلاقی است، در همه اجزای نظام حوزه می‌بایست اصالت را به پرورش معنوی و

اخلاقی داد و در برابر، هر آنچه که مخل آن است را معالجه و درمان کرد. تحول در حوزه باید بیش از هر جای دیگر، مبتنی بر اصالت و محورهای ثابت و ارزش‌های متعالی باشد که اساس هویت دینی و اعتقادات و باورهای دینی ما را تشکیل می‌دهند. در این رابطه، توجه به دو مسئله لزوم بازسازی و تعالی اخلاقی و هم‌چنین لزوم انطباق سیره حوزه بر اخلاق‌مداری و اخلاص، ضروری است.

● **استقلال فکری و فرهنگی حوزه‌های علمیه**  
از دیگر اصولی که در بحث اصول و مبانی تحول در حوزه‌های علمیه می‌بایست به آن توجه ویژه نمود، این است که یکی از ویژگی‌های حوزه علمیه در طول تاریخ، حفظ استقلال فکری، اقتصادی و معرفتی آن از حکومت‌ها و دولت‌هاست. حوزه، همواره وابسته به افکار علما، مراجع و اندیشمندان خویش بوده و آرا و اندیشه‌های خود را آزادانه

بیان کرده است. در حال حاضر نیز در حوزه علمیه باید به این ویژگی مهم در برنامه ریزی تحولات حوزه توجه ویژه ای شود و نسبت به آن اهتمام ورزیده شود.

### ● حفظ هویت، ارزش ها و اصالت های حوزوی

روحانیت، صنفی است که با نیازهای دینی جامعه ارتباط دارد و مایه استمرار آن، حوزه های متکامل شیعه در طول تاریخ بوده و دارای هویت الهی و معنوی ویژه ای است که از عهد ائمه اطهار علیهم السلام آغاز شده و در عصر غیبت صغری و کبری به رشد معارف دینی و تحکیم ارزش های الهی اهتمام ورزیده است. این هویت تاریخی و امتداد آن باید در همه برنامه ها منظور شود. در این میان، توجه به نکاتی ضرورت دارد؛ از جمله ضرورت حفظ

ارزش ها، علوم و معارف حوزه؛

هم چنین لزوم پذیرش تحول در حوزه با حفظ اصالت ها، و اهتمام بر هویت حوزوی همراه با تحول گرایی و درنهایت، تحول همراه با صیانت وجهه حوزوی.

در خصوص این نکته آخر از جهت اهمیت آن می بایست به این مطلب اشاره کنیم که تحول در حوزه و به روز بودن آن و آسیب ندیدن وجهه حوزوی بسیار مهم است؛ در این مسیر باید دستاوردهای کنونی حوزه و محتوای عمیق آن ها را بشناسیم و به دیگران هم

بشناسانیم و از حوزه صیانت کنیم. در واقع، تحول می بایست با سنت ها و ذخایر پیشین پیوند بخورد؛ چراکه باعث از هم گسیختگی در محیط های علمی و فرهنگی می شود. برای رسیدن به این هدف می بایست به تفاوت بدعت و نوآوری و تجددزدگی و تکامل توجه داشت؛ زیرا مرزهای این مفاهیم، گاهی به یک دیگر نزدیک می شوند؛ البته نکته ای که در این میان باید بدان توجه داشت این است که در کنار همه این ها باید از تحولات و تجارب و پرسش های نو و جدید نیز بهره گرفت.

### ● استقلال حوزه

در ادامه سه اصلی که بدان اشاره کردیم و با توجه به ویژگی ممتاز استقلال حوزه های شیعه در طول تاریخ باید بر استقلال و عدم وابستگی به دولتی ها و گروه ها تأکید ورزید و بر خودکفایی حوزه ها و ارتباط با مردم و جذب وجوهات شرعی اهتمام داشت.

### ● ارتباط با مردم به همراه زهد و

### پارسایی در زندگی

افتخار بزرگ حوزه ها و عالمان دین، رابطه صمیمانه با مردم و عموم جامعه دینی و زهد و پارسایی در زندگی بوده است. از این نظر توجه به این دو گوهر ارزشمند و ناب می بایست در همه برنامه های

در واقع، تحول می بایست با سنت ها و ذخایر پیشین پیوند بخورد؛ چراکه باعث از هم گسیختگی در محیط های علمی و فرهنگی می شود. برای رسیدن به این هدف می بایست به تفاوت بدعت و نوآوری و تجددزدگی و تکامل توجه داشت؛ زیرا مرزهای این مفاهیم، گاهی به یک دیگر نزدیک می شوند؛ البته نکته ای که در این میان باید بدان توجه داشت این است که در کنار همه این ها باید از تحولات و تجارب و پرسش های نو و جدید نیز بهره گرفت.

آموزشی و تربیتی مورد توجه باشد.

### ● ارتباط با نظام اسلامی و توجه

### به نیازهای آن

همان گونه که ظلم ستیزی و مبارزه با طاغوت و حکومت های فاسد در دوره ها و زمان ها و سرزمین های مختلف از امتیازهای روحانیت شیعه بوده است، می بایست برای نظام اسلامی که ثمره فداکاری روحانیت و امت

اسلامی است، نهایت دل سوزی را داشت و از بی توجهی و بی اعتنایی به آن پرهیز نمود و برای پاسخ گویی به نیازهای نظام اسلامی تلاش کرد.

### ● توجه به نیازهای گوناگون انسان معاصر

از دیگر اصولی که در بحث تحول حوزه می بایست نگاه ویژه ای به آن داشت، این است که حوزه های دینی نباید صرفاً گذشته و نیازها و نقش ها و کارکردهای پیشین را در نظر داشته باشند؛ بلکه برای دستیابی به اهداف ترسیم شده و عمل به رسالت خود باید انسان معاصر، معارف جدید و نیازهای امروزی دینی مردم را نیک بشناسند و از محدوده فردنگری خارج شوند و به نیازهای اجتماعی انسان توجه کنند و عرصه ها و نقش های نوی را برای خود تعریف کنند؛ براین اساس؛ حوزه های علمیه باید در چندزمینه به درنگ حوزوی و برنامه ریزی بپردازند. از آن زمینه ها می توان

تحول در حوزه، یک ضرورت و الزام برخاسته از ضرورت پاسخ گویی به نیازهای عصری است؛ اما در عین حال، امر خطیر و حساسی است؛ بنابراین؛ همواره چالش برانگیز بوده و به همین علت، جمع میان اصالت و معاصرت و سنت و تجدد در این قلمرو، نیازمند هوشمندی و تدبیر و درنگ فراوان است.

به این موارد اشاره کرد:

(الف) نیاز به بازسازی حوزه ها با تکیه بر ریشه ها و اصالت ها؛ چنان که اگر حوزه های ما با تکیه بر ریشه ها و اصالت های خویش، به بازسازی خود نپردازند و به روز نشوند، از قافله پیشرفت، و توسعه عقب خواهند ماند.

(ب) تحول و تأویل در حوزه های عملیه: تحول در حوزه، یک ضرورت و الزام

برخاسته از ضرورت پاسخ گویی به نیازهای عصری است؛ اما در عین حال، امر خطیر و حساسی است؛ بنابراین؛ همواره چالش برانگیز بوده و به همین علت، جمع میان اصالت و معاصرت و سنت و تجدد در این قلمرو، نیازمند هوشمندی و تدبیر و درنگ فراوان است. حوزه های علمیه می بایست تلاش کنند تا با محوریت اصالت ها و سنت های دیرپا و بهره گیری از گنجینه ارزشمند ذخایر حوزه، متناسب با سپهر امروز جهان، به نوپردازی و بازسازی و ارتقای خود در زمینه های ساختاری، آموزشی، تربیتی، ارتباطی، پژوهشی و سایر زمینه ها بپردازند. (ج) ضرورت فراگیری علوم جدید: حوزه های علمیه باید علاوه بر پاسداری از علوم دینی و دفاع از آن به ارتقای آن ها نیز بپردازند و به وسیله ابزارهای مدرن علمی از آن ها پشتیبانی کند تا بتوانند پاسخ گوی

سؤال‌های روز باشند؛ زیرا در برابر این تحولات و پیشرفت‌های عظیم با فراگیری علوم جدید می‌توان نیازهای نو را برآورد؛ به همین جهت باید با حفظ اصول و پایه‌های حوزه سنتی به فراگیری و تحصیل و پژوهش و تدریس در این زمینه پردازیم تا بتوانیم از داده‌های این دانش‌ها نیک بهره‌بریم و به استقلال دست پیدا کنیم و در نتیجه، نقش مان را به بهترین شکل و بهترین وجه انجام دهیم.

د) ضرورت اندیشیدن دائمی به پیشرفت و اصلاح: ما نباید به بهانه کفایت، حالت سکون و توقف به خود بگیریم؛ بلکه باید همواره به پیشرفت و اصلاح بیندیشیم. مهم این است که جهت دست‌یابی به هدف الهی، همه توانایی‌های خود را به کار بگیریم تا به حوزه‌ای پیشرفته، منسجم و متناسب با نیازهای زندگی معاصر دست یابیم و حوزه را به بستری برای تربیت علمای فاضل و برجسته و خدمت‌گزار به دین اسلام تبدیل کنیم.

#### ● توجه به نیازهای جهانی؛

#### به‌ویژه کشورهای اسلامی

حوزه‌های علمیه با همه توان می‌بایست از قالب‌های بسته و محدود خارج شوند و در کنار توجه به نیازهای داخلی و نیازهای جوامع شیعی، به نیازهای جهانی و کشورهای اسلامی هم بیندیشند و در جهت رسالت جهان‌شمول

خویش به سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی بپردازند. در ذیل این اصل، توجه به چند نکته ضروری است که از جمله این نکات می‌توان به این موارد اشاره کرد: توجه به مسائل کلان امت اسلامی و هم‌چنین بحث فراملی بودن حوزه‌های شیعی. به‌گونه‌ای که نباید تشیع، اسلام و مکتب اهل بیت را به ایران محدود کرد.

#### ● ارتباط با مراکز علمی و دانشگاهی

یکی از اصول مهمی که می‌بایست در بحث اصول و مبانی تحول در حوزه نگاه ویژه‌ای به آن داشت بحث ارتباط با مراکز علمی و دانشگاهی داخلی و خارجی است. به‌گونه‌ای که برای پیش‌برد اهداف حوزه، ارتباط مستمر و دائمی با همه مراکز علمی و دانشگاهی داخل و خارج کشور را می‌توان از اهم امور در این رابطه بیان کرد. این ارتباط هم در زمینه استفاده از تجارب علمی، آموزشی، پژوهشی آن‌ها و هم در جهت آشنایی با علوم و معارف جدید و فرهنگ آن‌ها سودمند و

مفید است و در نهایت، ابزاری

برای تفاهم و تبلیغ ارزش‌های دینی به حساب می‌آید.

#### ● استفاده از علوم و تجارب بشری

استفاده از تجارب بشری در شیوه‌های آموزش، پژوهش، تبلیغ، مدیریت، و ... و آشنایی با علوم و معارف جدید در همه شاخه‌های فلسفه، علوم

بحث اصول و مبانی تحول در حوزه نگاه ویژه‌ای به آن داشت بحث ارتباط با مراکز علمی و دانشگاهی داخلی و خارجی است. به‌گونه‌ای که برای پیش‌برد اهداف حوزه، ارتباط مستمر و دائمی با همه مراکز علمی و دانشگاهی داخل و خارج کشور را می‌توان از اهم امور در این رابطه بیان کرد.

طبیعی، علوم ریاضی و علوم انسانی و ... از جمله نکات ارزشمندی است که غفلت از آن به معنای عقب‌ماندگی از قافله تمدن بشری و در نتیجه، ناتوانی از ایفای رسالت‌های بزرگ دینی است؛ البته در مواجهه با مجموعه علوم و معارف بشری و تجارب انسانی باید به هوش بود تا اصالت‌ها از دست نرود؛ اما امتیازات آن‌ها با دیدی نقادانه گرفته شود. در این زمینه، حوزه باید از روش‌های جدید برای پاسداری از اصالت‌ها بهره‌مند شود.

#### ● احیای تمدن و فرهنگ اسلامی

حوزه‌های علمیه باید برای شکوفایی تمدن اسلامی، احیای مجدد آن، خیزش نوین اسلامی، حضور سازنده و کمال‌بخش دین در همه عرصه‌های مختلف زندگی و حاکمیت دینی بی‌توجه باشند؛ بلکه می‌بایست به این مهم در متن همه آموزش‌ها و پژوهش‌ها و برنامه‌ریزی‌ها توجه شود.

#### ● حفظ روحیه ژرف‌نگری در مباحث علمی

از رموز بسیار مهم بالندگی اندیشه و فرهنگ و ارتقای دانش و بینش آدمی در همه ساحت‌ها و عرصه‌ها، پژوهش، اندیشه‌ورزی و ژرف‌نگری است. تحقیق در قلمرو معارف و دانش‌های دینی نیز از ارکان و وظایف حوزه‌های دینی در طول تاریخ به‌شمار آمده و یکی از امتیازهای حوزه‌ها روحیه تحقیق و ژرف‌نگری محسوب می‌شده است. طلاب و حوزه‌های علمیه باید با گسترش تحقیقات و ژرف‌نگری، زمینه نوآوری و تولید علم را فراهم آورند. باید تلاش کرد این امتیاز هم‌چنان

استمرار یابد و تحولات حوزه و برنامه‌ریزی‌ها، امتیاز آزاداندیشی و ژرف‌نگری را تحت الشعاع قرار ندهند.

#### ● استمرار تعلیم و تربیت حوزویان

براساس آموزش‌های دینی و سنت سلف صالح باید استمرار تعلیم و تربیت حوزویان به یک اصل در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها تبدیل شود و انتهای دوره‌های رسمی تحصیلی به مفهوم پایان تعلیم و تربیت شمرده نشود؛ هم‌چنین فراگیری و تعلیم و تدریس نیز در همه شرایط و سنین بر حسب نیازها و شرایط باید استمرار یابد و در هر رشته، معلومات فرد باید دائماً نو شود. در این باره بر سه محور عمده تأکید شود: تأکید بر تعلیم و تربیت نیروی انسانی، پرورش عالمان و متخصصان علوم اسلامی و محور بودن تعلیم و تربیت و تحقیق در همه فعالیت‌ها.

از دیگر اصولی که در بحث تحول حوزه می‌توان به آن‌ها اشاره کرد؛ عبارتند از:

- زمینه‌سازی و پرورش طلاب براساس الگوها و معیارهایی چون روحیه معنوی و الهی، روحیه نقادی و ژرف‌نگری، روحیه تعبد و ولایت‌مداری، روحیه جامع‌نگری از راه به‌روز بودن اطلاعات عمومی، داشتن روحیه گروهی و جمعی، برخورداری از روحیه فعال و پویا و پرهیز از انفعال، اندیشه اجتماعی و سیاسی، رشد همه‌جانبه و متوازن شخصیت، قدرت بیان و سخنوری و تدوین و نگارش، روحیه انضباط و نظم، رعایت بهداشت و توجه به محیط زیست و ورزش.



- حفظ کرامت انسانی و الهی و ارج گذاری به منزلت طلاب؛  
 - سیاست گذاری و برنامه ریزی منسجم برای حوزه‌ها؛  
 - رشد و گسترش حوزه‌های علمیه با مشارکت علما و مردم؛  
 - گسترش آموزش‌ها و ارزش‌های حوزوی با نگرش متعادل و متوازن؛  
 - اصلاح ترمیم و بالندگی و بازنگری مستمر و دائمی؛  
 - ارتباط اجزای نظام؛  
 - ارتباط و بهره‌گیری از طلاب و مراجع معظم حوزه؛  
 و اصول و مبانی متعدد دیگری که در زمینه مدرس و طلبه و مدیریت و تشکیلات می‌توان به آن‌ها اشاره کرد که در این مجال نمی‌گنجد.

#### ● برنامه‌های تحول در حوزه

در بحث برنامه‌های تحول در حوزه می‌توان به چند محور عمده اشاره کرد که از جمله مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: ساختار و تشکیلات حوزه، جذب و گزینش، آموزش و تربیت، تحقیق، و تبلیغ.

#### الف) ساختار و تشکیلات حوزه

در آغاز به بحث ساختار و تشکیلات حوزه اشاره می‌کنیم در این راستا اقداماتی بایسته انجام است که از جمله آن‌ها می‌توان به تدوین نظام‌نامه‌های جامع در امور آموزشی، پژوهشی، اخلاقی- تربیتی و تبلیغی برای

حوزه اشاره کرد؛ و نیز کارهای دیگری که می‌بایست مورد توجه قرار گیرد. همکاری با مدیریت‌ها است که پراهمیت است در این رابطه، برای مدیریت کارآمد و قوی در حوزه‌های علمیه می‌بایست امور متعددی مورد توجه قرار گیرد؛ از جمله: ضرورت وجود نگرش جامع و نظام‌مند در سطوح عالی مدیریت، ضرورت وجود کادر اداری قوی در بدنه مدیریت، تقویت نرم افزار و سخت افزار، ضرورت بهره‌مندی از برنامه‌ریزی راهبردی، اهتمام به اخلاق سازمانی مدیریت، ضرورت بهره‌گیری از دانش‌ها و روش‌های مدیریت جدید.

در کنار توجه به بحث مدیریت، اهتمام به روابط عمومی در بحث تحول در حوزه هم جایگاه مهمی در این رابطه دارد؛ چنان که می‌توان گفت دامنه ارتباطات، بسیار گسترده و وسیع و یکی از جلوه‌های مهم ارتباطات انسانی، روابط عمومی است؛ چراکه ارتباطات هم یک فرایند ارتباطی است که میان سازمان‌ها و مؤسسات و جامعه پدیدار می‌شود و هم نهادی است که بخشی از سازمان‌ها را شکل می‌دهد.

#### ب) جذب و گزینش

در این زمینه که یکی از بنیادی‌ترین مسئولیت‌ها و وظایف مدیریت است، محورهایی از اولویت برخوردارند که مهم‌ترین آن‌ها چنین است:

جذب و گزینش حوزه می‌بایست با نیازها و انتظارات عرصه‌ی حوزه متوازن، متعادل

و متناسب‌سازی شود؛

در گزینش باید پایه را بر کیفیت نهاد، کمیت و تعداد، مهم نیست؛ مهم آن است که با ایجاد جاذبه، استعدادها را قوی از خانواده‌های متدین به حوزه جذب شوند؛

برای ورودی‌ها و مبتدیان از همان آغاز باید برنامه‌های آینده را توجیه و این نکته را روشن ساخت که پس از طی مراحل که تعیین خواهد شد، حضور فرد در حوزه فقط باید برای تدریس، تحقیق، تألیف یا کار اجرایی، حوزوی و ضروری باشد؛

برای تقویت آموزش و پژوهش در حوزه باید زمینه‌های گزینش و تعیین هیئت‌های علمی فراهم شود؛ و موارد متعدد دیگری که در این مجال نمی‌گنجد.

#### ج) آموزش و تربیت

از دیگر ارکان عمده رسالت‌های حوزه، بحث آموزش و تربیت اخلاقی است که به توجه بیشتر و برنامه‌ریزی منسجم‌تر نیاز دارد. در این رابطه، برخی اصول ثابت و متغیری در رابطه با تربیت دینی وجود دارد که مستلزم برنامه‌ریزی در این زمینه‌هاست؛ از جمله این محورها می‌توان به درهم‌تنیدگی نظام آموزشی و نظام تربیتی، اصول تربیت دینی و برنامه‌ریزی درسی، متغیرهای تربیت

آرمانی که حوزه علمیه در عرصه تحقیق و پژوهش ترسیم می‌کند، گسترش مرزهای دانش دینی، تبیین معارف دین در قلمروهای جدید و دفاع از دین و نظامات دینی در برابر اندیشه‌های رقیب است. در این راستا، توان‌مندی تحقیق و تعمق و مهارت و تدوین و نشر اندیشه‌های الهی در رسانه‌های گوناگون و توانایی حضور در عرصه‌های فکری و معرفتی باید مورد توجه برنامه‌ریزان، استادان، طلاب و دانش‌پژوهان باشد.

دینی و برنامه‌ریزی درسی، سیاست‌های آموزشی و تربیتی و فرهنگی، اشاره کرد که هرکدام از این‌ها هم جایگاه ویژه خود را در بحث تحول دارد.

به‌هرحال در رسیدن به اهدافی که در تحول تربیتی و آموزشی مد نظر است آگاهی استادان و طلاب از این اهداف و هم‌دلی و همراهی و بردباری آنان است؛ هم‌چنین سازمان‌دهی مدارس، و محوریت بخشی به نظام آموزشی و رشته‌های علمی در این امر و شکل‌گیری گروه‌های علمی و به‌کارگیری اعضای هیئت علمی و

تعمیم خدمات و برنامه‌ها به همه مدارس و یک پارچه‌سازی نظام آموزشی در عین تکثر و انعطاف، همگی بستر ساز اهدافی است که در این رابطه مورد توجه می‌باشد.

#### د) تحقیق

از دیگر محورهای عمده بحث تحول در حوزه می‌توان به محور مهم تحقیق اشاره کرد. تحقیق و تولید اندیشه و نظریه، اصل راهبردی مهمی است که لحظه‌ای در رشد و بالندگی آن نباید درنگ کرد. آرمانی که حوزه علمیه در عرصه تحقیق و پژوهش ترسیم می‌کند، گسترش مرزهای دانش دینی، تبیین معارف دین در قلمروهای جدید و دفاع از دین و نظامات دینی در برابر اندیشه‌های

رقیب است. در این راستا، توان مندی تحقیق و تعمق و مهارت و تدوین و نشر اندیشه‌های الهی در رسانه‌های گوناگون و توانایی حضور در عرصه‌های فکری و معرفتی باید مورد توجه برنامه‌ریزان، استادان، طلاب و دانش‌پژوهان باشد.

(ذ) تبلیغ

به توجه به رسالت بزرگ حوزه‌های علمیه برای ترویج و تبلیغ دین بدون تردید همه تلاش‌ها باید معطوف به کارآمدی، بازدهی، ثمربخشی، و دست‌یابی به اهداف کلان این نهاد برای ترویج دین مبین اسلام باشد؛ براین اساس، حوزویانی که بار سنگین این مسئولیت خطیر و رسالت عظیم را بردوش می‌کشند، باید با احساس تعهد بیشتر، تلاش‌های صورت گرفته در این مسیر را ادامه دهند و در جهت ارتقا و بالندگی آن به جدّ و جهد بکوشند و به نکات مهم و سیاست‌هایی که

باید در امر تبلیغ مدّ نظر حوزه‌های علمیه قرار گیرد توجه نمایند. از جمله این سیاست‌های اساسی درباره تبلیغ حوزوی می‌توان به هماهنگی با سایر معاونت‌ها و سایر نهادها، هم‌چنین حفظ تبلیغ سنتی، علمی‌سازی تجربه سنتی، نیاز به دانش و تجارب تبلیغ امروزی، مراعات مصلحت در نشر مذهب اهل بیت، توجه به تحولات دنیای ارتباطات و گسترش آن، توجه به مخاطب‌شناسی، توجه به تنوع محتواها، مضامین و روش‌ها در دنیای امروز، تغییر ذائقه‌های مخاطبان، به کارگیری شیوه‌های غیرمستقیم در القای مفاهیم، مخاطب‌قراردادن مردم جهان و مواردی از این دست اشاره کرد.

**پی‌نوشت:**

\* استادیار گروه معارف و علوم انسانی دانشگاه صنعتی امیرکبیر.



● علامه

مصباح‌یزدی رحمته‌الله‌علیه :

## پیش‌گام تحول در حوزه علمیه

آیت‌الله محمدتقی مصباح‌یزدی رحمته‌الله‌علیه در علوم مختلف صاحب‌نظر و سبک و به‌حق یک علامه به تمام معنا بود. وی درباره حوزه نیز دیدگاه‌های روشنی داشت. می‌توان ایشان را از پیش‌گامان تحول در حوزه دانست؛ چنان‌که آیت‌الله اعرافی مدیر حوزه‌های علمیه در پیامی که به مناسبت ارتحال این عالم ربانی صادر کردند نوشتند: «از لطایف بارز در زیست پربرکت آیت‌الله مصباح‌یزدی می‌توان به نوآوری‌های برجسته و اندیشه‌های مبتکرانه در قلمرو نظامات آموزشی و پژوهشی و مدیریتی حوزه و پیش‌گامی در تحول حوزه اشاره کرد و از رهگذر فکر عمیق آن مرحوم مرزهای دانش‌های اسلامی و حوزوی گسترش یافت.»



سید خرداد میرخلیلی \*

شوریه‌شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی